

## زن از نوشته های باستان و میانه ایرانی تا صدر اسلام

مهدی کارگر: عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد استارا

### چکیده:

نگارنده در این مقاله بنای کار را بر اساس متن ها و نگاره های باستانی و متون پارسی میانه نهاده، لذا از اظهار نظر در ابعاد دیگر صرف نظر کرده است. سپس از تبلور زن در اولین کتاب مدون ایرانیان - اوستا - آغاز کرده است و نقش اقتصادی زن را در دوره باستان (از هزاره اول پیش از میلاد تا سیصد و سی و یک پیش از میلاد) به عنوان یک عضو کارآمد معرفی می کند. پس به دگردیسی (تحول) زن و نقش او در دوره میاق ایرانی (از سیصد و سی و یک پیش از میلاد تا هشتصد و شست و هفت میلادی) پرداخته است و از کتابهای فقهی و حقوقی این دوره، بهره جسته است و نگرشهای گونه گون نسبت به زن را در این دوره تا صدر اسلام نشان می دهد. سپس ردپای دگردیسی زن را در شاهنامه و اساطیر پی گیری می کند، و در پایان به امنیت نظام حقوقی و اجتماعی زن در اسلام اشاره دارد.

واژگان کلیدی: دوره باستان، دوره میانه، دگردیسی، گائا، اسپندارمد، امشاسپندان، مادبان هزار دادستان، روایات پهلوی، روایات امید اشوهیشتان، خوسرای، مهر دروج، واسپوهرگان، نارینگ، جه، وندیداد، گمیز.

### زن در نوشته های دوره باستان:

در اوستا، کتاب مقدس ایرانی که سخنان پیام آور ایرانی با اورمزد است، زن دارای ارج و منزلتی والاست، و اصلاً در زمره امشاسپندان (مقدسان بیمرگ) است و نمایندۀ آن اسپندارمد آرمئیتی (اندیشۀ درست پاک) است، که در اسطوره ایرانی دختر اورمزد است و موکل بر زمین و زنان پاک.

در گائا (قدیمی ترین بخش اوستا) در یسن ۲۸ بند ۷: زردشت رسماً از اسپندارمد یاد می کند که آرایش بهشت با حضور او نکاستنی است. احتمالاً منبع این سخن که کلید بهشت زیر پای مادران است از این جا باشد. در آیین زردشت - باور ایرانیان کهن - اسفندگان، جشن زنان است که در روز پنجم اسفند در ایران باستان که روز زن بوده، برگزار می شده است.

با توجه به نقشی که الاهی های مادر و اصولاً رب النوع های مونث چون میترا و آناهیتا در ایران باستان داشته اند؛ آیین زردشت برای زن احترام قائل است، و تا کنون سندی به دست نیامده که زن در این باور مورد تحقیر واقع شده باشد. از آنجا که زن در باروری شبیه زمین است، اسپندارمد، فرشته موکل بر زمین است. در روز پنجم اسفند، مردان به زنان هدیه بخشش می نمودند و هنوز این رسم در اصفهان و ری باقی است، و به فارسی مردگیران گویند.

از نمونه های دیگر می توان به اقوام گوتی ساکن کوهستان ها اشاره کرد که فرمانده سپاه آنان زن بود، یا سکاها شمال شرقی دریچه کاسپین که ماساژت نام داشتند و زمام امور در دست زنان بوده است و کوروش کبیر در نبردی به دست یک زن از آنان کشته شد.

نیز در عیلام عهد عتیق پایة زن چنان والا بود که در عهدنامه ای برجای مانده از آن دوران، بانو\_خدایی با عنوان "فرمانروای آسمان" در میان ایزدان، جایگاه نخستین و برتر دارد.

همگان بر این باورند که بنای تخت جمشید شاهکار هنر بازمانده از دورۀ هخامنشیان است و ساخت آن صد و پنجاه سال زمان برده است، در آنجا زن و مرد در کنار یکدیگر دست اندر کار بنا بوده اند و از دستمزدی برابر برخوردار بوده اند؛ حتی کارهای سخت تر را زنان به عهده داشتند. پیشتر بیشتر زنان لوحه های تخت جمشید دوخت و دوز و خیاطی و صیقل دادن نگاره ها بود. امکانات آموزش های هنری و مهارت های حرفه ای برای مرد و زن یکسان بوده است؛ و حقوق آنان نیز برابر بوده است. میزان حقوق به نوع کار، نه به انجام دهنده، بستگی داشت. زن ها با به دنیا آوردن کودک برای مدتی از کار در بیرون معاف می شدند. (کخ، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳).

در طول مرخصی زایمان که ظاهراً پنج ماه بوده است، حقوق دریافتی به حداقل می رسید که البته با آن گذران زندگی ممکن بود. در عین حال معلوم شده است که شاه از نوزادان پسر بیش از نوزاد دختر خرسند می شد، چرا که حقوق برای نوزاد پسر دو برابر بود، و این تنها موردی است که فرق میان زن و مرد دیده می شود. در مدیریت حوزه های دیوانی و یا محاسبات و حساب رسی ها از کار زنان خبری نیست. چنین بر می آید که اگر کاری به منظور کنترل بخش های گوناگون اداری، نیاز به ترک محل و جابجایی و سفر به دور و نزدیک را داشت، برای انجام آن از زنان استفاده نمی شده است. زن ها در کارهای ثابت استخدام می شدند که ناشی از ضرورت حضور زن در خانواده بود. اما زنهای خانواده شاهی از موقعیت دیگری برخوردار بوده اند؛ اینان نه تنها در پشت دیوارهای حرم سرا پنهان نمی ماندند. بل برعکس آزادی عمل وسیعی داشته اند و نه املاک بزرگ، بل کارگاه های عظیم را با همۀ کارکنانش اداره می کرده اند و درآمدهای گزاف داشته اند. در لوحه های گلی در مجموع به نام چهار زن از خانوادۀ شاهی بر می خوریم: آتوسا، ارتیستونه، رته بامه، پاکیش. آتوسا بزرگترین دختر کوروش بزرگ، همسر داریوش بزرگ و مادر خشیارشا بود. (کخ، ۱۳۸۰، ص ۲۸۴).

در هنر هخامنشی موضوعی که جلب نظر می کند، جامۀ زنان است. که به شکلی چین دار و بلند است،

موهای آنان کوتاه و به صورت دایره ای موج دار و انبوه، پیرامون سر قرار گرفته است؛ و کلاهی به سر دارند که همچون کلاه مردان است. به زنانی با این پوشش در مهرها بر می خوریم و نمونه بسیار زیبایی امروز در موزۀ لوور پاریس نگه داری می شود. تصویر (۱).

در یکی از مهرها، زنی بلند پایه بر صندلی تخت مانندی که پشت مرتفعی دارد، نشسته، پاهایش را روی چارپایه ای گذارده و گل نیلوفری در دست دارد. لباس این زن لباس دربار هخامنشی است، کلاهش شبیه تاج است که چادری روی آن انداخته است، در مقابل او ندیمه ای با موی بافتۀ بلند ایستاده و پرندۀ ای در دست دارد، این پرندۀ ممکن است یک شیئی زینتی باشد. پشت سر ندیمه

یک عودسوز است که تقلیدی از مجلس بار شاهی است. در تمام مهرهای دیده شده از این دوره، جامه زنان چین دار و بلند است. تصویر ۲). (کخ، ۱۳۸۰، ص ۲۸۰).

### زن در نوشته های دوره میانه:

در جامعه ایران ساسانی زن هنوز دارای نقش اجتماعی و جایگاه اقتصادی مهمتر و ارزشمندتری بوده است و هنوز پرده نشینی به صورت وظیفه اصلی زنان درباری و اطاعت محض به مثابه خصلت کامل و بی منازع زن کوچک و بازار درنیامده بود. گواه این مدعا نقش اقتصادی و اجتماعی "دخت" در کتاب حقوقی بازمانده از دوره ساسانی به نام "مادیان هزار دادستان" مطرح است، که رضامندی دخت چه در هنگام ازدواج و چه طلاق آشکار است و اگر به جز این می بود، ازدواج یا طلاق صورت نمی گرفت. همچنین زن می توانسته است "ناترس آگاه" باشد، یعنی می توانست از شوهر خود رسماً فرزندان به دنیا آورد که شرعاً و قانوناً فرزند شوهر باشند، اما از پدر ارث نبرند. به بیان دیگر، رابطه و پیوند اقتصادی و نسبت خانوادگی هنوز بر هم کاملاً جفت و با هم یکتا نشده بود و زن می توانسته است شخصیت اقتصادی خود را از شوهر خویش جدا نگاه دارد. در مادیان هزار دادستان می خوانیم: "زروان داد" پسر "گشن جم" گفت: چون مرد دخت خویش را به رغم رضامندی آن دختر به ستري (سرپرستی) بداد، جایز است و اگر به زنی او را به مردی بداد، جایز نیست. پس بی رضای دختر، او را به ستري ازیرا جایز است بدهد که حدی از درآمد آن ستري به پدر دختر تعلق می گیرد، و به زنی دادن دخت بی رضامندی وی ازیرا جایز نیست که دخت را در شوی داشتن بر خود اختیار است که بنگرد و همسر برگزیند. در دوران بعد ستري جای خود را به کار رایگان در درون خانواده و تحت سرپرستی مرد خانواده داده است. در این مرحله است که نقش اقتصادی زن و استقلال مادی او تبدیل به نوعی اطاعت و فرمانبرداری مقدس می شود، که "خوسرای" بودن را یدک می کشد. در نوشته "روایات امید اشوهیشتان" می خوانیم: چون مردی را دختری برنا باشد، پدر برای در خان ه نگاهداشتن او گناهکار و مقصر است، و زن بجز دستوری پدر، اگر سالاری فراز گیرد و زن وی شود؛ آن زن "خوسرای" خوانده شود. (یعنی خود سر رای). که اگر هزینه خوراک و جامه از او باز ستانند، جایز است، اگر پدر دختر به مردی وعده دخت خویش دهد، و خلف وعده نماید به "مهر دروجی" (پیمان شکنی) ملقب شود. (مزدآپور، ۱۳۸۳، ص ۷۷).

به نظر نگارنده از نوشته های این دوره که به درایت و اختیار زن اهمیت قائل شده، کتاب اردشیر بابکان (اردشیر پسر بابک) است. در زمان آخرین شاه اشکانی اردوان پنجم، بابک والی پارس و گمارده اردوان بود، دخت خویش را به ساسان که چوپان وی بود و نسبش به دارا می رسید، بداد. از آنها فرزندی زاده شد که بابک وی را به فرزندی پذیرفت و اردشیر نام نهاد. پس اردشیر در هنرهای چون: تدبیر، تقدیر، چوگان و نخچیر درخشید. پس آوازه اش به پارت رسید و اردوان از وی دعوت کرد، و از هنر نمایی اردشیر در میان واسپوهرگان (شاهزادگان) اردوان را خوش نیامد، پس اردشیر را به ستورگاه کردند، در آنجا اردشیر تنبوری می بیند و می نوازد پس کنیز شاه، دلباخته وی می شود و با کمک آن کنیز در بامدادی با دو اسب و یراق طلا به همراهی هم می گریزند. پس اردوان با

مشورت اختر شماران در می یابد که اگر در مدت سه روز بر آنان دست یابد، حکومتش باقیست، در غیر این، دستگاهی تازه در راه خواهد بود. گویی بخت با حکومت تازه بود. پس اردشیر با کنیزک به پارس نزد بابک می رسند و با یکدیگر ازدواج می کنند و اردشیر به احترام پدرش ساسان پادشاهی را ساسانی نام می نهد. (فره وشی، ۱۳۷۸، ص ۵).

### نفوذ موبدان و تضعیف موقعیت زن:

با نفوذ موبدان زردشتی، زن خوسرای از ارث هم محروم ماند (روایات هرمزدیار). از این مرحله محدود کردن دختران به هنگام شوی گزینی شروع شد. موضوع به این جا ختم نشد، بلکه برای بیشتر تحت نفوذ در آوردن آنان دو واژه برای نامیدن زن پدید آمد: *nārīg*: (زن نیک) و *jeh*: (زن بد اهریمنی). و زنی سزاوار نام نیک شد که از یک دسته از فرامین وضع شده، اطاعت کرد؛ و به محض عدول از این اطاعت، جه خوانده می شد؛ و محکوم به عقوبتی می گردید که در ابعاد گوناگون، در حیات و ممات، موجودی اهریمنی مستوجب آن بود. در کتاب روایات پهلوی به تفوق مرد بر زن اشاره شده است و خاطر نشان گردیده که زن باید در اندیشه، گفتار و عمل خود از مرد الگو بردارد، همچنین به تنبیه زن در صورت نافرمانی اشاره شده است. در برخی از نوشته های میانه به احکامی بر می خوریم که زن به واسطه شرایط بدنی و وظایف اعضایی خویش باید از آنها تبعیت کند: پرهیز در روزهای قاعدگی، ناپاکی های زنان پس از زایمان و بیماریهای زنانه.

### دگر دیسی زن:

در کتاب وندیداد که مجموعه ای از قوانین طهارتی مدون به دست موبدان است، می خوانیم که: زنان در دوران قاعدگی برای پاک شدن می بایست یک رطل گمیز (ادرار گاو) بنوشند. در کنار این موارد گناهایی هم بود که اراده زن در آن بیش و کم دخیل است، گناهایی مانند: نازایی و کم شیری که زن را تبدیل به جه می کند. این موارد در آبخخور تبلور زن به صورت پریان و مرجان ها، در اساطیر می تواند دخیل باشد، که همگی خاصیت فریبندگی پیدا می کنند. تا آنجا که جادوگران و پریان را مادینه پنداشتند. واژه پری با مشتقات خود پنجاه بار در شاهنامه به کار رفته است و همگی کارشان فریفتن پهلوانان است: در داستان گرشاسب، در داستان سریت، در هفت خوان رستم، در داستان بیژن و... (صفاری، ۱۳۸۳، ص ۱۶۲).

زورمندی نیمه مذکر جامعه پیوسته ایجاب می کند که سهم مردان از دستاوردهای اقتصادی گروه، بیش از زنان باشد، و این حقیقت را با شیوه های گوناگون مشاهده عوامل و پدیده های اجتماعی مختلف می توان باز بینی کرد.

اما پس از این دوران، به جای بغانوان و الاهگان آن دوران، دیو زنانی با کیش ناراست و فریبندگی پدید آمدند. آنگاه آغاز شد زمانه ماندن زن در حرمسراهای بزرگان و خانه مردم نداشت که زن در اندرون نشسته است تا به آنجا که زن و کدبانو را حتی از نامیده شدن در نزد دیگران و بیرون از حصار اقتدار مرد صاحب خویش، محروم می پسندیده اند و توهین می شمردند، و باز تا آنجا که اگر به مردی نسبت زنانه بدهند، موجب عدم رضایت وی می شود، ولی اگر به زنی نسبت مردانه دهند، موجب تفاخر است.

### نتیجه گیری:

پندار این نوشته، نشان دادن جلوه ای اجمالی از زن بر اساس متن های دوره باستان و میانه در سرزمینمان بود، و نگارنده بر اساس یافته های کهن و الگوهای اساطیری، اینگونه نظر دارد که به دلیل ارتباط زن با آفرینش و ویژگی ممتاز زایا بودن و ناقل خون بودن، همواره حساسیت هایی را در پاک ماندن در اذهان پرورده، تا آنجا که در طول دوره ها، نگرش ها و قوانین طهارتی گونه گونی را به خود جلب کرده است. گفتنی است بسیاری از مواردی که در باب انتساب ضعف و کاستی به زن در ادبیات میانه ما مطرح شد، برخاسته از نظام مردسالار جامعۀ ایرانی بوده است. با ظهور دین اسلام، همه ارزشها و هنجارها در مورد زن تغییر کرد و به رعایت مسائل حقوقی و اجتماعی زن، بها داده شد. و به ایفای نقش از سوی آنان در جامعه اهمیت قائل شد، مانند: نقش زن در مسأله جهاد، نقش زن در اتحاد ملی و انسجام اسلامی، نقش زن در کارهای اجرایی و عبادات و مواردی دیگر که در متون فقهی اسلام، در مورد نظام حقوقی و اجتماعی زن مطرح شده است. با این وجود در تجلیل از مقام و منزلت زن، همین کافی که بگوییم: در همه اعصار، زنان آرامش بخش قسی القلب ترین مردان تاریخ بوده اند.

### فهرست منابع:

- ۱) تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات پیش از اسلام. سخن، ۱۳۷۶
- ۲) زمردی، حمیرا. نقد تطبیقی ادیان و اساطیر. زوار، ۱۳۸۲
- ۳) صفاری، نسترن. موجودات اهریمنی در شاهنامه. جام گل، ۱۳۸۳
- ۴) فره وش، بهرام. کارنامه اردشیر بابکان. دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
- ۵) کخ، هاید ماری. از زبان داریوش. کارنامک، ۱۳۸۰
- ۶) مزدا پور، کتایون. داغ گل سرخ. اساطیر، ۱۳۸۳
- ۷) مزدا پور، کتایون. گناه ویس. اساطیر، ۱۳۸۲.